



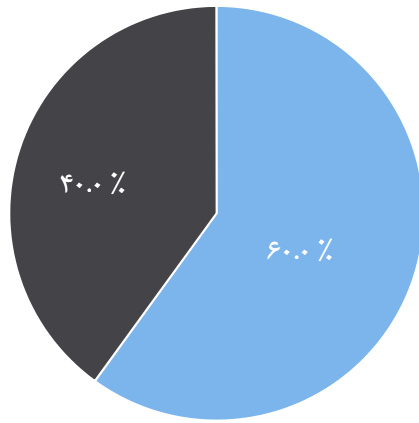
صنعت شیر در رسانه

یکشنبه



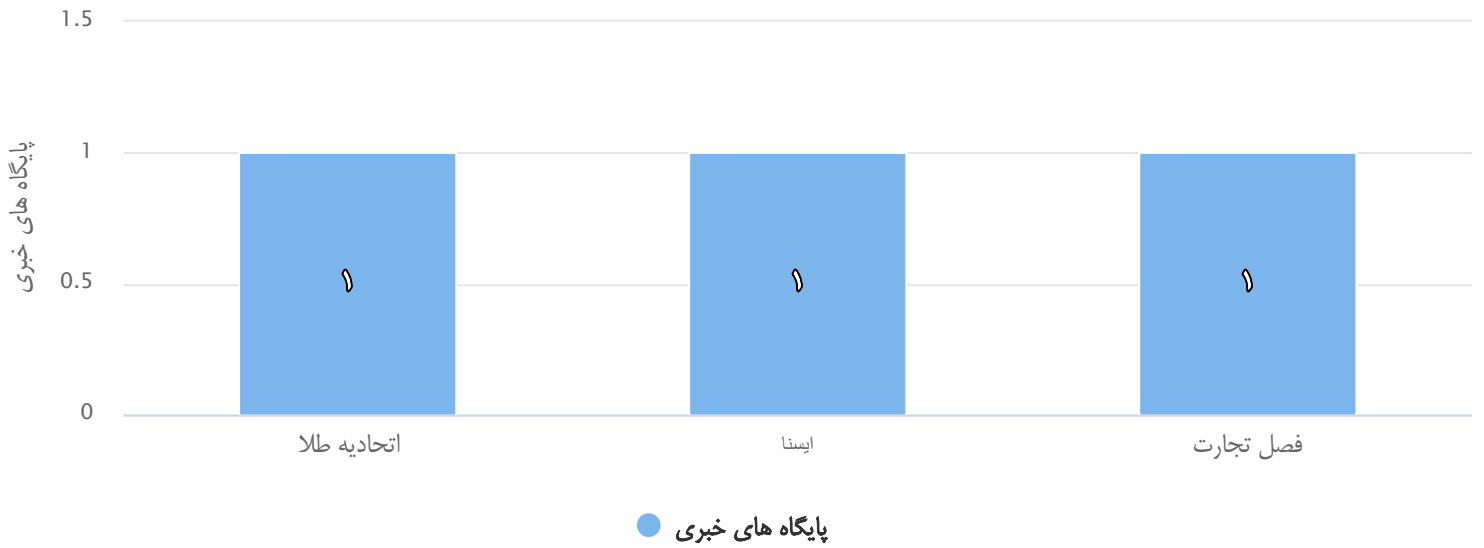
۱۴۰۰/۰۲/۱۸ - ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

درصد فراوانی اخبار بولتن به تفکیک نوع رسانه



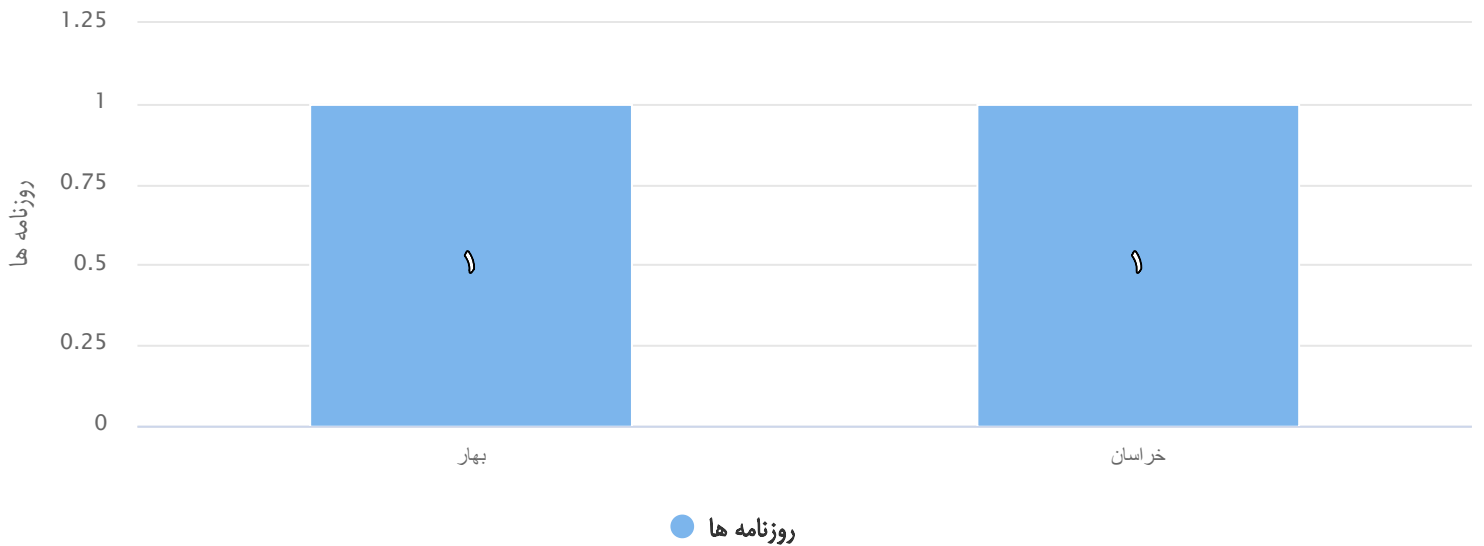
● خبرگزاری
● روزنامه

نمودار توزیع فراوانی مطالب منتشره در پایگاه های خبری




Highcharts.com


نمودار توزیع فراوانی مطالب منتشره در روزنامه ها





Highcharts.com


صنایع لبنی

- ۵ خراسان در گفت و گو با تعدادی از خانواده های عشایر کلات و مسئولان مطرح شد/عشایر کلات پنجه... 

- ۸ بهار قیمت عجیب خوراکی در سال ۹۰ 

- ۱۰ ایسنا ۱۵:۰۱ تغییرات قیمت مواد غذایی طی ۱۰ سال 

- ۱۲ فصل تجارت ۱۵:۰۱ تغییرات قیمت مواد غذایی طی ۱۰ سال 

- ۱۴ اتحادیه طلا ۱۱:۴۷ تغییرات سرانه مصرف مواد خوراکی در طول یک دهه 

صنایع لبنی



در گفت و گو با تعدادی از خانواده های عشایر کلات و مسؤلان مطرح شد / عشایر کلات پنجه در پنجه مشکلات

عشایر به عنوان یکی از زحمتکش ترین قشرهای جامعه نقش قابل توجهی در توسعه دامپروری و تولید گوشت قرمز دارند

عشایر به عنوان یکی از زحمتکش ترین قشرهای جامعه نقش قابل توجهی در توسعه دامپروری و تولید گوشت قرمز دارند بخشی از عشایر شهرستان کلات به دلیل مشکلاتی در گذشته از کد عشایری برخوردار نشدند و از مزایا و کمک هایی که به این قشر زحمتکش شده است محروم مانده اند در این گزارش در گفت و گو با خانواده های عشایری کلات و مسؤلان به مشکلات این قشر زحمتکش می پردازیم

به گزارش خراسان رضوی ، اردیبهشت جای جای کوه ها و تپه های شهرستان کلات تبدیل به منظره ای زیبا و بی بدیل می شود فقط کافی است یک سفر به کلات بروید تا مخمل سبز بهار و عطر علفزار از یک سو و طعم و بوی فطیر مسکه و قورمه و لبنیات عشایری از سوی دیگر خاطره ای برایتان بسازد که هر وقت به یادش می افتید لبخند بر لبانتان بنشیند . سال هاست که منطقه کلات به داشتن محصولات مرغوبی نظیر گردو ، برنج ، روغن زرد عشایری ، کره ، پنیر و لبنیات شهرت یافته است کلات تنها شهرستانی است که ۸۰ درصد از جمعیت ۴۰ هزار نفری آن را دامداران تشکیل می دهند اما به جز ۷۵ خانوار از عشایر ، بقیه آن ها کد عشایری ندارند هیچ خدماتی دریافت نمی کنیم حاج پولاد قره خانی بزرگ طایفه قره خان دربند است که همه عمر ۸۳ ساله خود را صرف دامداری کرده و به پسرانش نیز آموخته است و از همین راه کسب روزی حلال می کند او می گوید : کردهای منطقه دربند کلات ، حدود ۲۰۰ خانوار هستند که عشیره شان به ایلات زعفرانلو ، صوفیانلو ، براوانلو و قراخانلو بر می گردد ریش سفید دانای عشایر تشریح می کند که هر سال از اواخر شهریور و مهر به منطقه مرزی معروف به چلاق که خوش آب و علف است کوچ و تا اردیبهشت سال بعد در همان جا اتراق می کنند و مجدد آخر خرداد به اطراف کوه های قره سو که منطقه ای معروف به امبیزک یا دمانه (دامنه) و سر سبز است نقل مکان می کنند طایفه وی ۲۰ خانوار از آن ۲۰۰ خانوار را شامل می شوند حاج پولاد با بیان این که ۲۰۰ خانوار دربندی حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار دام سبک شهرستان را پرورش می دهند ، می افزاید : به این دلیل که تحت پوشش اداره عشایری نیستیم ، هیچ گونه خدماتی چه از نظر دام پزشکی و چه تامین علوفه دامی و آب آشامیدنی و امکانات اولیه زندگی را دریافت نمی کنیم

حاج حسن پروانه نیز که از دامداران بزرگ کلات است ، می گوید : طایفه ما از صوفیانلوهما هستند که فصل سرد را در قشلاق به سر می برند و تابستان به محله های دامداری قره سو ، بیسمات ، امبیزک و دمانه کوچ می کنند و در بعضی از سال ها که خشکسالی می شود به اطراف کوه های سرخس و هزار مسجد که علف بهتری دارد نقل مکان می کنند . او توضیح می دهد : عشایر کلاتی معمولاً هشت ماه از سال را در رفت و آمد و کوچ هستند و فقط دو تا سه ماه را که زایش و جمع آوری لبنیات در کار نیست برای جمع آوری آذوقه و مایحتاج بقیه سال در کلات می گذرانند که البته همین سه ماه را نیز دام هایشان توسط چوپان ها مدام در حال کوچ و بیابان گردی هستند

معضل ترک تحصیل حاج حسن بیشترین مشکل عشایر را تحصیلات فرزندان آن ها به خصوص در مقطع ابتدایی ، آذوقه دام ، آب شرب ، سهمیه آرد و نفت و جاده مواصلاتی می داند و تشریح می کند که چون هشت ماه از سال را در بیرون شهرستان و در دامن طبیعت به سر می بریم ، ۹۹ درصد از دخترانمان به اجبار از تحصیل محروم می شوند و تقریباً ۷۵ درصد پسرها نیز اگر قوم و خویش یا آشنایی در شهر نداشته باشند که پیش آن ها بمانند مجبورند ترک تحصیل کنند .

عشایر کلات متولی ندارند مهدی ناصری فرماندار شهرستان کلات با بیان این که عشایر کلات متولی ندارند و از داشتن کد عشایری رنج می برند ،



خاطر نشان می کند: زندگی مردم شهرستان کلات بر مبنای دامداری گذاشته شده یعنی عمده معیشت اقتصادی مردم این شهرستان بر پایه دامداری است و یکی از وجه تمایزات ما نسبت به دیگر شهرستان های استان همین معیشت ماست. وی با تاکید بر این که ۸۰ درصد مردم ما دامدار هستند، می گوید دامداران ما زمان های گذشته کوچ می کردند و این موضوع جدیدی نیست وی می افزاید: متأسفانه به دلیل غفلتی که در گذشته در وقت مقرر آمارگیری صورت گرفته آماری از این عشایر به ثبت نرسیده و این موضوع امروز باعث تضییع حقوق عشایر کلاتی شده است ناصری ادامه می دهد: هم اکنون در شهرستان ۶۰ محله دامداری داریم که این ها هیچ گونه متولی ندارند و تلاش ما این است که تکلیف این دامداری ها مشخص شود، یعنی آن هایی که سه ویژگی کوچ نشینی، طایفه و گذران معیشت بر اساس دام را دارند؛ عشایر شناخته شوند و دامدارانی که یکی از این شروط را ندارند روستایی شناخته شوند و متولی داشته باشند تا بتوانند خدمات روستایی را دریافت کنند.

۵ درصد از گوشت استان را تامین می کنیم وحید عطار، رئیس جهاد کشاورزی شهرستان کلات با بیان این که هم اکنون ۵ درصد گوشت استان را تامین می کنیم و در این زمینه دارای رتبه هستیم و حرفی برای گفتن داریم، تصریح می کند: نه تنها امرار معاش مردم شهرستان کلات بر پایه دام است که حتی کشاورزی که در شهرستان انجام می شود از الگوی کشت گرفته تا برداشت محصول، برای تغذیه دام و استفاده در صنعت دامداری بوده است. وی با بیان این که کلات دارای توپوگرافی و اقلیم خاص و کم نظیری است، می افزاید: ما در طول سال به دلیل اختلاف ارتفاع از ۴۵۰ متر تا ۳۱۰۰ متر از سطح دریا، در مناطق مختلف شهرستان هم منطقه بیلاقی داریم و هم آب و هوای قشلاقی در نتیجه دامداران و عشایر ما مجبور نیستند برای کوچ همچون عشایر دیگر، مسیرهای چند صد کیلومتری و چند هزار کیلومتری را طی کنند و در همین شهرستان به بیلاق و قشلاق می پردازند عطار تاکید می کند: از طرفی با این که شهرستان از آب فراوان برخوردار است اما به دلیل کمبود زمین های مسطح در این جا کشاورزی فقط به صورت دیم و محدود انجام می شود که جواب گوی تغذیه دام در طول سال نیست به همین دلیل روستاییان ما این بیلاق و قشلاق را برای تامین علوفه دام در تمام روستاها انجام می دهند

رئیس جهاد کشاورزی کلات می گوید: به دلیل این که هیچ امکاناتی برای این دامدارها مهیا نبوده است به اجبار در روستاها ساکن شده اند، همانند روستای چنار که ۱۷ محله دامداری دارد اما مردم این روستا به اجبار برای استفاده از مراتع، دامشان در بیرون از روستا و در حال کوچ است و خودشان به دلیل نبود امکانات اولیه در محله ها، ساکن روستا هستند اما برای تهیه مایحتاج خود و دام هایشان دایم در حال رفت و آمد هستند. وی تاکید می کند: صرف نظر از هزینه و مشقت موجود، خطرانی که این دامداران و خانواده هایشان را در این رفت و آمدها تهدید می کند قابل توجه است و امیدواریم این عشایر زحمتکش در جامعه عشایری قرار بگیرند تا بتوانند حداقل از خدماتی که در این حوزه وجود دارد استفاده کنند برای احقاق حق عشایر کلاتی تلاش می کنیم حجت الاسلام نصر

پژمانفر نماینده مردم کلات و مشهد در مجلس، در پاسخ به این سوال که تاکنون چه اقداماتی برای تحت پوشش سازمان عشایری قرار گرفتن دامداران کلات انجام شده است و چرا سازمان آمار برای ثبت این آمار مقاومت می کند، می گوید: متأسفانه کل جمعیت عشایری که در سال های گذشته از کلات ثبت شده بود ۷۵ خانوار بیشتر نبود و منطقه کلات که تقریباً عمده مناطق آن عشایرنشین اند؛ یعنی در واقع در حال کوچ هستند و بیلاق قشلاق می کنند و از همین راه زندگی خود را می گذرانند، به دلیل کوتاهی های صورت گرفته تحت پوشش قرار نگرفته اند. رئیس کمیسیون اصل ۹۰ در ادامه می افزاید: من چند سالی است که پیگیری های متعددی انجام داده و با استفاده از ظرفیت کمیسیون اصل ۹۰ موضوع را به صورت ویژه تری بررسی کرده ام تا این به عنوان یک تخلف که باعث تضییع حقوق کسانی که از عشایر هستند اما در آمار عشایری قرار نگرفته اند، قرار بگیرد نماینده مردم کلات خاطر نشان می کند: جلسات متعددی با حضور رئیس سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی،



رئیس عشایر استان و فرماندار کلات در سازمان آمار داشتیم که قرار شد این موضوع پیگیری شود و در اقدام اولیه ۷۵۰ خانوار با آن ۷۵ خانوار با عنوان عشایر قرار گرفته اند عضو کنفدراسیون عشایر کشور تصریح می کند : خدا را شکر تا به امروز بیش از دو هزار خانوار عشایر در مسیر ثبت قرار گرفته اند که جمعیت عشایر کلات را به دو هزار و ۷۰۰ خانوار خواهد رساند و طبیعتاً تحول بزرگی در زندگی این دامداران در فعالیت های مختلفی که در حوزه دام سبک و دارند صورت خواهد گرفت

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ کشور با این توضیح که سابق بر این چون هیچ امتیازی به عشایر داده نمی شد ، دامداران رغبتی برای تحت پوشش قرار گرفتن در این سازمان نداشتند ، می گوید : قبلاً در قانون برنامه پنجم یک جا عنوان عشایر وجود داشت اما در قانون برنامه ششم ما ۱۷ جا برای عشایر حکم گرفتیم و عنوان عشایر را ذکر کردیم که این باعث شد هم درخصوص تسهیلاتی که به عشایر داده می شود و هم امتیازات ویژه ای که خدمات بیشتری را به عشایر نسبت به ساکنان روستا می دهند ؛ ارزش افزوده داشته باشیم و در واقع همین موضوع دلیل مقاومت سازمان آمار برای ثبت آمار جدید عشایر است چرا که تاکید بر این است که این خدمات مجوز ورود افراد غیر عشایر به این سازمان نشود و خدمات محدود سازمان عشایر برای این قشر زحمتکش حفظ شود . وی تصریح می کند : ما هم به این موضوع معتقد هستیم و در سازمان آمار هم اعلام کردیم که راضی نیستیم حتی یک نفر که جزو عشایر نیست در این آمار قرار بگیرد همچنان که راضی نیستیم عشایر ما حتی یک نفر بیرون از این دایره قرار بگیرند نماینده مردم کلات در مجلس می افزاید : ما حتماً برنامه های زیادی را در خصوص فعالیت های عشایر داریم و من امید دارم و تلاشم به این سمت است که روزی تاخیر در رسیدن به خدمات عشایر کلات جبران شود

وی ادامه می دهد : از صنایع دستی عشایر حمایت خواهیم کرد و درخصوص دام های سبک و محصولاتشان ، زمین های شیبداری که می تواند در اختیار عشایر قرار بگیرد تا آن ها بتوانند علاوه بر دامداری ، در زمینه داروهای گیاهی و مشابه آن نیز فعالیت داشته باشند تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا فرزندان عشایر در عین داشتن تحصیلات در مقاطع بالا اعم از کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکترا در همین خانواده عشایر بمانند و افتخار کنند به این که خودشان و فرزندانشان راه آبا و اجدادشان را ادامه می دهند .

نماینده مردم کلات در مجلس خاطر نشان می کند : کلات ، شهرستان مرزی با وسعت سه هزار و ۵۰۰ و ۱۸ هزار کیلومتر مربع است که دسترسی به تمام نقاط آن با توجه به ارتفاعات و شکل جغرافیایی اش برای نیروهای نظامی و امنیتی مهیا نیست پس با وجود این عشایر غیور و دامدارهای ما هستند که در تمام سطح منطقه و گذرگاه های غیر قابل دسترس و غیر قابل تردد پخش شده اند و دلیل پایدار ماندن امنیت در اقصی نقاط این منطقه مرزی هستند و این می تواند مهم ترین دلیل ارج نهادن و حفظ جمعیت عشایری مان بوده و باشد .



قیمت عجیب خوراکی در سال ۹۰

گروه اقتصادی: «۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان» کل پولی است که سال ۹۰ برای خرید سبد مشخصی از کالای خوراکی شامل گوشت، برنج، میوه، سبزیجات و مواد پروتئینی هزینه می شد.

گروه اقتصادی: «۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان» کل پولی است که سال ۹۰ برای خرید سبد مشخصی از کالای خوراکی شامل گوشت، برنج، میوه، سبزیجات و مواد پروتئینی هزینه می شد این مبلغ در اسفند سال گذشته به بیش از یک میلیون و ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان رسیده است اگرچه این مبلغ برای زمانی است که خانواده ها می توانستند به راحتی کالا های اساسی و خوراکی مانند مرغ یا روغن را در فروشگاه ها پیدا کنند ۸۹۰ درصد بر آنچه خانواده برای تامین سبد معیشتی شان هزینه می کردند، افزوده شده و در این سال ها حداقل دستمزد از ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان در ابتدای دهه ۹۰ به یک میلیون و ۹۱۰ هزار تومان در سال ۹۹ رسید که ۴۷۸ درصد افزایش داشته است مقایسه اعداد و ارقام نتیجه می دهد آنچه در ابتدای دهه ۹۰ در ازای یک سبد از کالا پرداخت می شد، در انتهای دهه برای خرید چند قلم کالا هزینه می شود در سال ۹۰ کل هزینه برای خرید کالا های خوراکی و اساسی ۳۳ درصد حداقل دستمزد بود در حالی که در پایان دهه ۹۰ این رقم به ۵۰ تا ۶۰ درصد حداقل دستمزد رسید یک سبد مشخص از کالا چند بود و چند شد؟ قیمت ۲۶ قلم کالای خوراکی و اساسی برای یک خانواده ۴ نفره شامل «یک کیلو ماست، شیر و پنیر پاستوریزه، ۲۵۰ گرم کره، یک شانه تخم مرغ، ۱۰ کیلوگرم برنج درجه یک ایرانی، یک کیلو حبوبات (عدس، نخود و لوبیا)، یک کیلو از گوشت های گوساله، گوسفندی و مرغ، یک کیلو شکر، چای و قند، روغن مایع و میوه ها و سیفی جاتی مانند یک کیلو سیب، پرتقال، خیار، گوجه فرنگی، سبب زمینی و پیاز» در سال ۹۰ قیمتی حدود ۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان داشت. در حالی که در پایان سال ۹۹ به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید در این یک دهه فاصله با هزینه یک سبد معیشتی تنها می توان یک کیلو گوشت گوسفند یا ۳ کیلو برنج درجه یک ایرانی یا ۸ کیلو سیب خرید؛ هزینه یک سبد به چند کیلو کالا تقلیل پیدا کرده است خیلی دور خیلی نزدیک ۱۰ سال می گذرد از روز هایی که قیمت هر کیلو برنج درجه یک ایرانی ۳ هزار و ۷۳۰ تومان، گوشت گوساله کیلویی ۱۷۵۰۰ تومان، مرغ کیلویی ۴۳۶۰ تومان و یک کیلو خیار هم ۱۰۷۰ تومان قیمت داشت

سالی که سرانه مصرف گوشت برای کشور ۱۳ کیلوگرم بود و حال بر اساس گفته های پاییز سال گذشته علی اصغر ملکی، رییس اتحادیه گوشت گوسفندی به حدود ۸ کیلوگرم رسیده البته که با توجه به جهش های ناگهانی گوشت قرمز در بازار همچنین کاهش قدرت خرید خانواده ها انتظار می رفت، سرانه مصرف کمتر باشد تا اینکه در ابتدای اردیبهشت سال جاری افشین دادرسی، مدیرعامل اتحادیه دام سبک، سرانه مصرف گوشت را ۶ کیلوگرم عنوان کرد. البته که این رقم برای برخی مناطق شهری و روستایی که فقر بیشتری وجود دارد، صدق نمی کند اما گوشت قرمز تنها کالایی نیست که مصرفش کاهش پیدا کرده است بر اساس گزارشی که محققان مرکز آمار در دی ماه سال گذشته منتشر کردند، سرانه مصرف برنج نیز افت قابل توجهی داشته؛ در سال ۹۰ مصرف سرانه این کالا در خانواده های کشور ۶۴۳ کیلوگرم بود که به ۴۳۶ کیلوگرم در سال ۹۸ رسید با وجود اینکه در زمان انتشار این گزارش سال ۹۹ هنوز به پایان نرسیده، پیش بینی ها بر رسیدن مصرف سرانه برنج به ۳۳ کیلوگرم برای سال گذشته بود محاسبات این محققان نشان می دهد که سرانه مصرف گوشت ماکیان در سال ۹۰ حدود ۳۱ کیلوگرم بود که در سال ۹۹ به ۳۳ کیلوگرم رسید هر چند این امر با وجود بالا رفتن قیمت گوشت قرمز طبیعی به نظر می رسد اما می تواند زنگ هشدار برای کشور باشد چراکه در صورت جهش دیگری در قیمت آن، گزینه «پروتئینی» دیگری در سبد معیشتی خانوار ها به وی ژه آن هایی که در دهک های کم درآمدی قرار دارند،



ادامه خبر صفحه قبل

[۲]

بهار

۱۴۰۰/۰۲/۱۸



باقی نمی ماند اما بخش نگران کننده دیگر گزارش این مرکز کاهش ۲۱ کیلویی سرانه مصرف لبنیات طی سال های ۹۰ تا ۹۹ است؛ به گونه ای که در سال ۹۰ سرانه مصرف ۱۲۷ کیلوگرم عنوان شد که در ۹۹ به ۱۰۶ کیلوگرم رسید البته که محققان مرکز آمار بر این باورند که در سال ۹۹ و به دلیل شیوع گسترده تر کرونا، سرانه مصرف کاهش یافته و در سال ۱۴۰۰ هر ایرانی ۴ کیلوگرم به سرانه مصرف خود اضافه می کند، اما اضافه شدن این میزان به سرانه مصرف لبنیات نیز چیزی از اصل ماجرا، بدتر شدن وضع هر ایرانی را تغییر نمی دهد چرا وضع مان بهتر بود؟ بهبود شرایط اقتصادی نشأت گرفته از شرایط سیاسی و بین المللی است مادامی که تنش با سایر کشورها افزایش یابد و زمان باقی ماندن در تحریم بیشتر شود، امید به بهبود اقتصادی نیز نخواهد بود آمارها نیز گواه این موضوع است در دهه ۹۰ و تجربه دو بار تحریم که یکی از دیگری شدیدتر بود، آسیب پذیری اقتصاد بیشتر شده که این امر فشار را به طبقات فرودست جامعه افزایش می دهد نتیجه آن نیز کاهش سرانه مصرف کالا های اساسی و ضروری برای سلامت جسم است در این بین حقوق و مزدبگیران ثابت بیشترین ضرر را خواهند دید چراکه مجبورند منابع ثابت و محدود خود را میان نیازهایی که هر روز و هر ماه گران تر می شوند به گونه ای تخصیص دهند که «حداقلی» از کالاها را مصرف کنند البته اگر جهش قیمت ها به همین منوال ادامه یابد به نظر نمی رسد تخصیص منابع مالی به راحتی صورت پذیرد در ابتدای دهه ۹۰ حداقل دستمزد ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام شد که در سال ۹۹ به یک میلیون و ۹۱۰ هزار تومان افزایش یافت در این مدت نیز هزینه خرید یک سبد مشخصی از کالا های خوراکی و اساسی نیز از ۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان به یک میلیون و ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان رسید در سال ۹۰ خورد و خوراک ۳۳ درصد از کل درآمد یک ماه فرد را به خود اختصاص می داد و مابقی نیز صرف خرید مسکن، بهداشت و درمان، حمل و نقل، تفریح و می شد در حالی که در سال ۹۹ خورد و خوراک بیش از نیمی از درآمد فرد را از آن خود می کرد اینکه افرادی می توانند هزینه های خورد و خوراک، مسکن، بهداشت و درمان و را با دستمزدی که به دو میلیون تومان هم نمی رسید، پوشش دهند، تنها از زندگی در شرایط سخت و تحریمی برمی آید شرایطی که دهک های کم درآمدی فشار بیشتری می بینند و مجبورند خود را وفق دهند؛ حتی به بهای کاهش مصرف کالا های مهم و ضروری برای سلامت جسم



تغییرات قیمت مواد غذایی طی ۱۰ سال

«۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان» کل پولی است که سال ۹۰ برای خرید سبد مشخصی از کالای خوراکی شامل گوشت، برنج، میوه، سبزیجات و مواد پروتئینی هزینه می شد این مبلغ در اسفند سال گذشته به بیش از یک میلیون و ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان رسیده است اگرچه این مبلغ برای زمانی است که خانواده ها می توانستند به راحتی کالاهای اساسی و خوراکی مانند مرغ یا روغن را در فروشگاه ها پیدا کنند

به گزارش ایسنا، روزنامه «اعتماد» در ادامه نوشت: ۸۹۰ درصد بر آنچه خانواده برای تامین سبد معیشتی شان هزینه می کردند، افزوده شده و در این سال ها حداقل دستمزد از ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان در ابتدای دهه ۹۰ به یک میلیون و ۹۱۰ هزار تومان در سال ۹۹ رسید که ۴۷۸ درصد افزایش داشته است مقایسه اعداد و ارقام نتیجه می دهد آنچه در ابتدای دهه ۹۰ در ازای یک سبد از کالا پرداخت می شد، در انتهای دهه برای خرید چند قلم کالا هزینه می شود در سال ۹۰ کل هزینه برای خرید کالاهای خوراکی و اساسی ۳۳ درصد حداقل دستمزد بود در حالی که در پایان دهه ۹۰ این رقم به ۵۰ تا ۶۰ درصد حداقل دستمزد رسید

یک سبد مشخص از کالا چند بود و چند شد؟ قیمت ۲۶ قلم کالای خوراکی و اساسی برای یک خانواده ۴ نفره شامل «یک کیلو ماست، شیر و پنیر پاستوریزه، ۲۵۰ گرم کره، یک شانه تخم مرغ، ۱۰ کیلوگرم برنج درجه یک ایرانی، یک کیلو حبوبات (عدس، نخود و لوبیا)، یک کیلو از گوشت های گوساله، گوسفندی و مرغ، یک کیلو شکر، چای و قند، روغن مایع و میوه ها و سیفی جاتی مانند یک کیلو سیب، پرتقال، خیار، گوجه فرنگی، سیب زمینی و پیاز» در سال ۹۰ قیمتی حدود ۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان داشت. در حالی که در پایان سال ۹۹ به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید در این یک دهه فاصله با هزینه یک سبد معیشتی تنها می توان یک کیلو گوشت گوسفند یا ۳ کیلو برنج درجه یک ایرانی یا ۸ کیلو سیب خرید؛ هزینه یک سبد به چند کیلو کالا تقلیل پیدا کرده است خیلی دور، خیلی نزدیک ۱۰ سال می گذرد از روزهایی که قیمت هر کیلو برنج درجه یک ایرانی ۳ هزار و ۷۳۰ تومان، گوشت گوساله کیلویی ۱۷۵۰۰ تومان، مرغ کیلویی ۴۳۶۰ تومان و یک کیلو خیار هم ۱۰۷۰ تومان قیمت داشت

سالی که سرانه مصرف گوشت برای کشور ۱۳ کیلوگرم بود و حال بر اساس گفته های پاییز سال گذشته علی اصغر ملکی، رییس اتحادیه گوشت گوسفندی به حدود ۸ کیلوگرم رسیده البته که با توجه به جهش های ناگهانی گوشت قرمز در بازار همچنین کاهش قدرت خرید خانواده ها انتظار می رفت، سرانه مصرف کمتر باشد تا اینکه در ابتدای اردیبهشت سال جاری افشین دادرسی، مدیرعامل اتحادیه دام سبک، سرانه مصرف گوشت را ۶ کیلوگرم عنوان کرد. البته که این رقم برای برخی مناطق شهری و روستایی که فقر بیشتری وجود دارد، صدق نمی کند اما گوشت قرمز تنها کالایی نیست که مصرفش کاهش پیدا کرده است بر اساس گزارشی که محققان مرکز آمار در دی ماه سال گذشته منتشر کردند، سرانه مصرف برنج نیز افت قابل توجهی داشته؛ در سال ۹۰ مصرف سرانه این کالا در خانواده های کشور ۶۴۳ کیلوگرم بود که به ۴۳۶ کیلوگرم در سال ۹۸ رسید با وجود اینکه در زمان انتشار این گزارش سال ۹۹ هنوز به پایان نرسیده، پیش بینی ها بر رسیدن مصرف سرانه برنج به ۱۳۳ کیلوگرم برای سال گذشته بود محاسبات این محققان نشان می دهد که سرانه مصرف گوشت ماکیان در سال ۹۰ حدود ۳۱ کیلوگرم بود که در سال ۹۹ به ۳۳ کیلوگرم رسید هر چند این امر با وجود بالا رفتن قیمت گوشت قرمز طبیعی به نظر می رسد اما می تواند زنگ هشدار برای کشور باشد چراکه در صورت جهش دیگری در قیمت آن، گزینه «پروتئینی» دیگری در سبد معیشتی خانوارها به ویژه آنهایی که در دهک های کم درآمدی قرار دارند، باقی نمی ماند اما بخش نگران کننده دیگر گزارش این مرکز کاهش ۲۱ کیلویی سرانه مصرف لبنیات طی سال های ۹۰ تا ۹۹ است؛ به گونه ای که در سال ۹۰ سرانه مصرف ۱۲۷ کیلوگرم عنوان شد که در ۹۹ به ۱۰۶ کیلوگرم رسید البته که محققان مرکز آمار بر این باورند که در سال ۹۹ و به دلیل شیوع گسترده تر کرونا،

ادامه خبر صفحه قبل

[۲]

ایسنا

۱۴۰۰/۰۲/۱۸

۱۵:۰۱



سرانه مصرف کاهش یافته و در سال ۱۴۰۰ هر ایرانی ۴ کیلوگرم به سرانه مصرف خود اضافه می کند اما اضافه شدن این میزان به سرانه مصرف لبنیات نیز چیزی از اصل ماجرا ، بدتر شدن وضع هر ایرانی را تغییر نمی دهد چرا وضعمان بهتر بود؟ بهبود شرایط اقتصادی نشأت گرفته از شرایط سیاسی و بین المللی است مادامی که تنش با سایر کشورها افزایش یابد و زمان باقی ماندن در تحریم بیشتر شود ، امید به بهبود اقتصادی نیز نخواهد بود آمارها نیز گواه این موضوع است در دهه ۹۰ و تجربه دو بار تحریم که یکی از دیگری شدیدتر بود ، آسیب پذیری اقتصاد بیشتر شده که این امر فشار را به طبقات فرودست جامعه افزایش می دهد نتیجه آن نیز کاهش سرانه مصرف کالاهای اساسی و ضروری برای سلامت جسم است در این بین حقوق و مزدبگیران ثابت بیشترین ضرر را خواهند دید چراکه مجبورند منابع ثابت و محدود خود را میان نیازهایی که هر روز و هر ماه گران تر می شوند به گونه ای تخصیص دهند که «حداقلی» از کالاها را مصرف کنند البته اگر جهش قیمت ها به همین منوال ادامه یابد به نظر نمی رسد تخصیص منابع مالی به راحتی صورت پذیرد در ابتدای دهه ۹۰ حداقل دستمزد ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام شد که در سال ۹۹ به یک میلیون و ۹۱۰ هزار تومان افزایش یافت در این مدت نیز هزینه خرید یک سبد مشخصی از کالاهای خوراکی و اساسی نیز از ۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان به یک میلیون و ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان رسید در سال ۹۰ خورد و خوراک ۳۳ درصد از کل درآمد یک ماه فرد را به خود اختصاص می داد و مابقی نیز صرف خرید مسکن ، بهداشت و درمان ، حمل و نقل ، تفریح و می شد در حالی که در سال ۹۹ خورد و خوراک بیش از نیمی از درآمد فرد را از آن خود می کرد اینکه افرادی می توانند هزینه های خورد و خوراک ، مسکن ، بهداشت و درمان و را با دستمزدی که به دو میلیون تومان هم نمی رسد ، پوشش دهند ، تنها از زندگی در شرایط سخت و تحریمی برمی آید شرایطی که دهک های کم درآمدی فشار بیشتری می بینند و مجبورند خود را وفق دهند؛ حتی به بهای کاهش مصرف کالاهای مهم و ضروری برای سلامت جسم انتهای پیام



بدون تصویر

تغییرات قیمت مواد غذایی طی ۱۰ سال

فصل تجارت «۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان» کل پولی است که سال ۹۰ برای خرید سبد مشخصی از کالای خوراکی شامل گوشت، برنج، میوه، سبزیجات و مواد پروتئینی هزینه می شد.

فصل تجارت «۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان» کل پولی است که سال ۹۰ برای خرید سبد مشخصی از کالای خوراکی شامل گوشت، برنج، میوه، سبزیجات و مواد پروتئینی هزینه می شد این مبلغ در اسفند سال گذشته به بیش از یک میلیون و ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان رسیده است اگرچه این مبلغ برای زمانی است که خانواده ها می توانستند به راحتی کالاهای اساسی و خوراکی مانند مرغ یا روغن را در فروشگاه ها پیدا کنند روزنامه «اعتماد» در ادامه نوشت: ۸۹۰ درصد بر آنچه خانواده برای تامین سبد معیشتی شان هزینه می کردند، افزوده شده و در این سال ها حداقل دستمزد از ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان در ابتدای دهه ۹۰ به یک میلیون و ۹۱۰ هزار تومان در سال ۹۹ رسید که ۴۷۸ درصد افزایش داشته است مقایسه اعداد و ارقام نتیجه می دهد آنچه در ابتدای دهه ۹۰ در ازای یک سبد از کالا پرداخت می شد، در انتهای دهه برای خرید چند قلم کالا هزینه می شود در سال ۹۰ کل هزینه برای خرید کالاهای خوراکی و اساسی ۳۳ درصد حداقل دستمزد بود در حالی که در پایان دهه ۹۰ این رقم به ۵۰ تا ۶۰ درصد حداقل دستمزد رسید

یک سبد مشخص از کالا چند بود و چند شد؟ قیمت ۲۶ قلم کالای خوراکی و اساسی برای یک خانواده ۴ نفره شامل «یک کیلو ماست، شیر و پنیر پاستوریزه، ۲۵۰ گرم کره، یک شانه تخم مرغ، ۱۰ کیلوگرم برنج درجه یک ایرانی، یک کیلو حبوبات (عدس، نخود و لوبیا)، یک کیلو از گوشت های گوساله، گوسفندی و مرغ، یک کیلو شکر، چای و قند، روغن مایع و میوه ها و سیفی جاتی مانند یک کیلو سیب، پرتقال، خیار، گوجه فرنگی، سیب زمینی و پیاز» در سال ۹۰ قیمتی حدود ۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان داشت. در حالی که در پایان سال ۹۹ به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید در این یک دهه فاصله با هزینه یک سبد معیشتی تنها می توان یک کیلو گوشت گوسفند یا ۳ کیلو برنج درجه یک ایرانی یا ۸ کیلو سیب خرید؛ هزینه یک سبد به چند کیلو کالا تقلیل پیدا کرده است خیلی دور، خیلی نزدیک ۱۰ سال می گذرد از روزهایی که قیمت هر کیلو برنج درجه یک ایرانی ۳ هزار و ۷۳۰ تومان، گوشت گوساله کیلویی ۱۷۵۰۰ تومان، مرغ کیلویی ۴۳۶۰ تومان و یک کیلو خیار هم ۱۰۷۰ تومان قیمت داشت

سالی که سرانه مصرف گوشت برای کشور ۱۳ کیلوگرم بود و حال بر اساس گفته های پاییز سال گذشته علی اصغر ملکی، رییس اتحادیه گوشت گوسفندی به حدود ۸ کیلوگرم رسیده البته که با توجه به جهش های ناگهانی گوشت قرمز در بازار همچنین کاهش قدرت خرید خانواده ها انتظار می رفت، سرانه مصرف کمتر باشد تا اینکه در ابتدای اردیبهشت سال جاری افشین دادرسی، مدیرعامل اتحادیه دام سبک، سرانه مصرف گوشت را ۶ کیلوگرم عنوان کرد. البته که این رقم برای برخی مناطق شهری و روستایی که فقر بیشتری وجود دارد، صدق نمی کند اما گوشت قرمز تنها کالایی نیست که مصرفش کاهش پیدا کرده است بر اساس گزارشی که محققان مرکز آمار در دی ماه سال گذشته منتشر کردند، سرانه مصرف برنج نیز افت قابل توجهی داشته؛ در سال ۹۰ مصرف سرانه این کالا در خانواده های کشور ۶۴۳ کیلوگرم بود که به ۴۳۶ کیلوگرم در سال ۹۸ رسید با وجود اینکه در زمان انتشار این گزارش سال ۹۹ هنوز به پایان نرسیده، پیش بینی ها بر رسیدن مصرف سرانه برنج به ۱۳۳ کیلوگرم برای سال گذشته بود محاسبات این محققان نشان می دهد که سرانه مصرف گوشت ماکیان در سال ۹۰ حدود ۳۱ کیلوگرم بود که در سال ۹۹ به ۳۳ کیلوگرم رسید هر چند این امر با وجود بالا رفتن قیمت گوشت قرمز طبیعی به نظر می رسد اما می تواند زنگ هشدار برای کشور باشد چراکه در صورت جهش دیگری در قیمت آن، گزینه «پروتئینی» دیگری در سبد معیشتی خانوارها به ویژه آنهایی که در دهک های کم درآمدی قرار دارند،



بدون تصویر

باقی نمی ماند اما بخش نگران کننده دیگر گزارش این مرکز کاهش ۲۱ کیلویی سرانه مصرف لبنیات طی سال های ۹۰ تا ۹۹ است؛ به گونه ای که در سال ۹۰ سرانه مصرف ۱۲۷ کیلوگرم عنوان شد که در ۹۹ به ۱۰۶ کیلوگرم رسید البته که محققان مرکز آمار بر این باورند که در سال ۹۹ و به دلیل شیوع گسترده تر کرونا ، سرانه مصرف کاهش یافته و در سال ۱۴۰۰ هر ایرانی ۴ کیلوگرم به سرانه مصرف خود اضافه می کند اما اضافه شدن این میزان به سرانه مصرف لبنیات نیز چیزی از اصل ماجرا ، بدتر شدن وضع هر ایرانی را تغییر نمی دهد چرا وضعیتمان بهتر بود؟ بهبود شرایط اقتصادی نشأت گرفته از شرایط سیاسی و بین المللی است مادامی که تنش با سایر کشورها افزایش یابد و زمان باقی ماندن در تحریم بیشتر شود ، امید به بهبود اقتصادی نیز نخواهد بود آمارها نیز گواه این موضوع است در دهه ۹۰ و تجربه دو بار تحریم که یکی از دیگری شدیدتر بود ، آسیب پذیری اقتصاد بیشتر شده که این امر فشار را به طبقات فرودست جامعه افزایش می دهد نتیجه آن نیز کاهش سرانه مصرف کالاهای اساسی و ضروری برای سلامت جسم است در این بین حقوق و مزدبگیران ثابت بیشترین ضرر را خواهند دید چراکه مجبورند منابع ثابت و محدود خود را میان نیازهایی که هر روز و هر ماه گران تر می شوند به گونه ای تخصیص دهند که «حداقلی» از کالاها را مصرف کنند البته اگر جهش قیمت ها به همین منوال ادامه یابد به نظر نمی رسد تخصیص منابع مالی به راحتی صورت پذیرد در ابتدای دهه ۹۰ حداقل دستمزد ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام شد که در سال ۹۹ به یک میلیون و ۹۱۰ هزار تومان افزایش یافت در این مدت نیز هزینه خرید یک سبد مشخصی از کالاهای خوراکی و اساسی نیز از ۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان به یک میلیون و ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان رسید در سال ۹۰ خورد و خوراک ۳۳ درصد از کل درآمد یک ماه فرد را به خود اختصاص می داد و مابقی نیز صرف خرید مسکن ، بهداشت و درمان ، حمل و نقل ، تفریح و می شد در حالی که در سال ۹۹ خورد و خوراک بیش از نیمی از درآمد فرد را از آن خود می کرد اینکه افرادی می توانند هزینه های خورد و خوراک ، مسکن ، بهداشت و درمان و را با دستمزدی که به دو میلیون تومان هم نمی رسید ، پوشش دهند ، تنها از زندگی در شرایط سخت و تحریمی برمی آید شرایطی که دهک های کم درآمدی فشار بیشتری می بینند و مجبورند خود را وفق دهند؛ حتی به بهای کاهش مصرف کالاهای مهم و ضروری برای سلامت جسم انتهای پیام



اتحادیه طلا

۱۴۰۰/۰۲/۱۸

۱۱:۴۷



تغییرات سرانه مصرف مواد خوراکی در طول یک دهه

«۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان» کل پولی است که سال ۹۰ برای خرید سبد مشخصی از کالای خوراکی شامل گوشت، برنج، میوه، سبزیجات و مواد

پروتئینی هزینه می شد

«۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان» کل پولی است که سال ۹۰ برای خرید سبد مشخصی از کالای خوراکی شامل گوشت، برنج، میوه، سبزیجات و مواد پروتئینی هزینه می شد این مبلغ در اسفند سال گذشته به بیش از یک میلیون و ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان رسیده است اگرچه این مبلغ برای زمانی است که خانواده ها می توانستند به راحتی کالاهای اساسی و خوراکی مانند مرغ یا روغن را در فروشگاه ها پیدا کنند به گزارش صبحانه، ۸۹۰ درصد بر آنچه خانواده برای تامین سبد معیشتی شان هزینه می کردند، افزوده شده و در این سال ها حداقل دستمزد از ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان در ابتدای دهه ۹۰ به یک میلیون و ۹۱۰ هزار تومان در سال ۹۹ رسید که ۴۷۸ درصد افزایش داشته است مقایسه اعداد و ارقام نتیجه می دهد آنچه در ابتدای دهه ۹۰ در ازای یک سبد از کالا پرداخت می شد، در انتهای دهه برای خرید چند قلم کالا هزینه می شود در سال ۹۰ کل هزینه برای خرید کالاهای خوراکی و اساسی ۳۳ درصد حداقل دستمزد بود در حالی که در پایان دهه ۹۰ این رقم به ۵۰ تا ۶۰ درصد حداقل دستمزد رسید

یک سبد مشخص از کالا چند بود و چند شد؟ قیمت ۲۶ قلم کالای خوراکی و اساسی برای یک خانواده ۴ نفره شامل «یک کیلو ماست، شیر و پنیر پاستوریزه، ۲۵۰ گرم کره، یک شانه تخم مرغ، ۱۰ کیلوگرم برنج درجه یک ایرانی، یک کیلو حبوبات (عدس، نخود و لوبیا)، یک کیلو از گوشت های گوساله، گوسفندی و مرغ، یک کیلو شکر، چای و قند، روغن مایع و میوه ها و سیفی جاتی مانند یک کیلو سیب، پرتقال، خیار، گوجه فرنگی، سیب زمینی و پیاز» در سال ۹۰ قیمتی حدود ۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان داشت. در حالی که در پایان سال ۹۹ به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید در این یک دهه فاصله با هزینه یک سبد معیشتی تنها می توان یک کیلو گوشت گوسفند یا ۳ کیلو برنج درجه یک ایرانی یا ۸ کیلو سیب خرید؛ هزینه یک سبد به چند کیلو کالا تقلیل پیدا کرده است خیلی دور خیلی نزدیک ۱۰ سال می گذرد از روزهایی که قیمت هر کیلو برنج درجه یک ایرانی ۳ هزار و ۷۳۰ تومان، گوشت گوساله کیلویی ۱۷۵۰۰ تومان، مرغ کیلویی ۴۳۶۰ تومان و یک کیلو خیار هم ۱۰۷۰ تومان قیمت داشت

سالی که سرانه مصرف گوشت برای کشور ۱۳ کیلوگرم بود و حال بر اساس گفته های پاییز سال گذشته علی اصغر ملکی، رییس اتحادیه گوشت گوسفندی به حدود ۸ کیلوگرم رسیده البته که با توجه به جهش های ناگهانی گوشت قرمز در بازار همچنین کاهش قدرت خرید خانواده ها انتظار می رفت، سرانه مصرف کمتر باشد تا اینکه در ابتدای اردیبهشت سال جاری افشین دادرسی، مدیرعامل اتحادیه دام سبک، سرانه مصرف گوشت را ۶ کیلوگرم عنوان کرد. البته که این رقم برای برخی مناطق شهری و روستایی که فقر بیشتری وجود دارد، صدق نمی کند اما گوشت قرمز تنها کالایی نیست که مصرفش کاهش پیدا کرده است بر اساس گزارشی که محققان مرکز آمار در دی ماه سال گذشته منتشر کردند، سرانه مصرف برنج نیز افت قابل توجهی داشته؛ در سال ۹۰ مصرف سرانه این کالا در خانواده های کشور ۶۴۳ کیلوگرم بود که به ۴۳۶ کیلوگرم در سال ۹۸ رسید با وجود اینکه در زمان انتشار این گزارش سال ۹۹ هنوز به پایان نرسیده، پیش بینی ها بر رسیدن مصرف سرانه برنج به ۳۳ کیلوگرم برای سال گذشته بود محاسبات این محققان نشان می دهد که سرانه مصرف گوشت ماکیان در سال ۹۰ حدود ۳۱ کیلوگرم بود که در سال ۹۹ به ۳۳ کیلوگرم رسید هر چند این امر با وجود بالا رفتن قیمت گوشت قرمز طبیعی به نظر می رسد اما می تواند زنگ هشدار برای کشور باشد چراکه در صورت جهش دیگری در قیمت آن، گزینه «پروتئینی» دیگری در سبد معیشتی خانوارها به ویژه آنهایی که در دهک های کم درآمدی قرار دارند،



ادامه خبر صفحه قبل

[۲]

اتحادیه طلا

۱۴۰۰/۰۲/۱۸

۱۱:۴۷



باقی نمی ماند اما بخش نگران کننده دیگر گزارش این مرکز کاهش ۲۱ کیلویی سرانه مصرف لبنیات طی سال های ۹۰ تا ۹۹ است؛ به گونه ای که در سال ۹۰ سرانه مصرف ۱۲۷ کیلوگرم عنوان شد که در ۹۹ به ۱۰۶ کیلوگرم رسید البته که محققان مرکز آمار بر این باورند که در سال ۹۹ و به دلیل شیوع گسترده تر کرونا ، سرانه مصرف کاهش یافته و در سال ۱۴۰۰ هر ایرانی ۴ کیلوگرم به سرانه مصرف خود اضافه می کند اما اضافه شدن این میزان به سرانه مصرف لبنیات نیز چیزی از اصل ماجرا ، بدتر شدن وضع هر ایرانی را تغییر نمی دهد چرا وضع مان بهتر بود؟ بهبود شرایط اقتصادی نشأت گرفته از شرایط سیاسی و بین المللی است مادامی که تنش با سایر کشورها افزایش یابد و زمان باقی ماندن در تحریم بیشتر شود ، امید به بهبود اقتصادی نیز نخواهد بود آمارها نیز گواه این موضوع است در دهه ۹۰ و تجربه دو بار تحریم که یکی از دیگری شدیدتر بود ، آسیب پذیری اقتصاد بیشتر شده که این امر فشار را به طبقات فرودست جامعه افزایش می دهد نتیجه آن نیز کاهش سرانه مصرف کالاهای اساسی و ضروری برای سلامت جسم است در این بین حقوق و مزدبگیران ثابت بیشترین ضرر را خواهند دید چراکه مجبورند منابع ثابت و محدود خود را میان نیازهایی که هر روز و هر ماه گران تر می شوند به گونه ای تخصیص دهند که «حداقلی» از کالاها را مصرف کنند البته اگر جهش قیمت ها به همین منوال ادامه یابد به نظر نمی رسد تخصیص منابع مالی به راحتی صورت پذیرد در ابتدای دهه ۹۰ حداقل دستمزد ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام شد که در سال ۹۹ به یک میلیون و ۹۱۰ هزار تومان افزایش یافت در این مدت نیز هزینه خرید یک سبد مشخصی از کالاهای خوراکی و اساسی نیز از ۱۱۱ هزار و ۱۴۰ تومان به یک میلیون و ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان رسید در سال ۹۰ خورد و خوراک ۳۳ درصد از کل درآمد یک ماه فرد را به خود اختصاص می داد و مابقی نیز صرف خرید مسکن ، بهداشت و درمان ، حمل و نقل ، تفریح و می شد در حالی که در سال ۹۹ خورد و خوراک بیش از نیمی از درآمد فرد را از آن خود می کرد اینکه افرادی می توانند هزینه های خورد و خوراک ، مسکن ، بهداشت و درمان و را با دستمزدی که به دو میلیون تومان هم نمی رسید ، پوشش دهند ، تنها از زندگی در شرایط سخت و تحریمی برمی آید شرایطی که دهک های کم درآمدی فشار بیشتری می بینند و مجبورند خود را وفق دهند؛ حتی به بهای کاهش مصرف کالاهای مهم و ضروری برای سلامت جسم /اعتماد